



## لاجیات رای جاگا

# بمبئی

## یکی و بسیار

شده است. اما احتمال بیشتر آن است که واژه بمبئی از عبارت پرتغالی «بوم بهیا» (خلیج زیبا) آمده باشد. پرتغالیها در ۱۵۰۷ کوشیدند این منطقه را به زور اسلحه تصرف کنند و سرانجام آن را در ۱۵۳۴ از سلطان گجرات گرفتند. کاترین، ملکه پرتغال، در ۱۶۶۱ آن را به عنوان جهیزیه ازدواج با چارلز دوم پادشاه انگلیس، به وی بخشید. این سرزمین شامل هفت جزیره در محیط باتلاقی وسیعی به طول ۱۸ کیلومتر و عرض ۷ کیلومتر است که از یک سو به تپه مالابار و از دیگر سو به شبه جزیره باریک کولابا ختم می‌شود. یکی از جهانگردان قرن ۱۹ نوشته است: «بندر بمبئی با جزیره‌هایی همچون جواهر بر زمينه آبی تابناک آنها از زیباترین چشم‌اندازهای جهان است.»

پیشینه زندگی انسانها در این مجمع‌الجزایر به زمانی کهن بازمی‌گردد. قدیمیترین معابد غارمانند

بمبئی شهری پر از تضاد است که در آن هتلهای پنج‌ستاره با آلونکهای کثیف بینوایان هم‌نشین‌اند. بمبئی پایتخت پول و سینمای هند، که در آن هر امیدی حق حیات دارد و هر رؤیایی ممکن است فرو ریزد، در چشم آنان که در جستجوی ثروت به آن روی آورده‌اند، آینده درخشان و پرامیدی را نوید می‌دهد که اغلب سرابی بیش نیست. افسانه‌های امروزی پریان که یکسره از استودیوهای سینمایی شهر بیرون می‌آید اسطوره‌های این جهان تخیلی را تداوم می‌بخشد.

### تأثیر اروپا

برخی بر این باورند که نام بمبئی یا «مومبایی» از نام الهه مومبادوی گرفته شده است. این الهه را ماهیگیران قوم کولی می‌پرستیدند که نخستین ساکنان مجمع‌الجزایری بودند که حالا شهر بر آن بنا

(۱۸۶۵-۱۸۶۱)، یکباره بمبئی به انحصار جهانی تجارت کتان بدل شد و ثروت و مکنت تاجرانش از داراییهای ارباب استعمارگر درگذشت. در همین بمبئی بود که اندیشه استقلال در محافل از لحاظ فرهنگی گوناگون تجاری و در میان روشنفکران نوگرای جهان وطن، ریشه گرفت.

### ■ آمیزه‌ای از سبکهای معماری

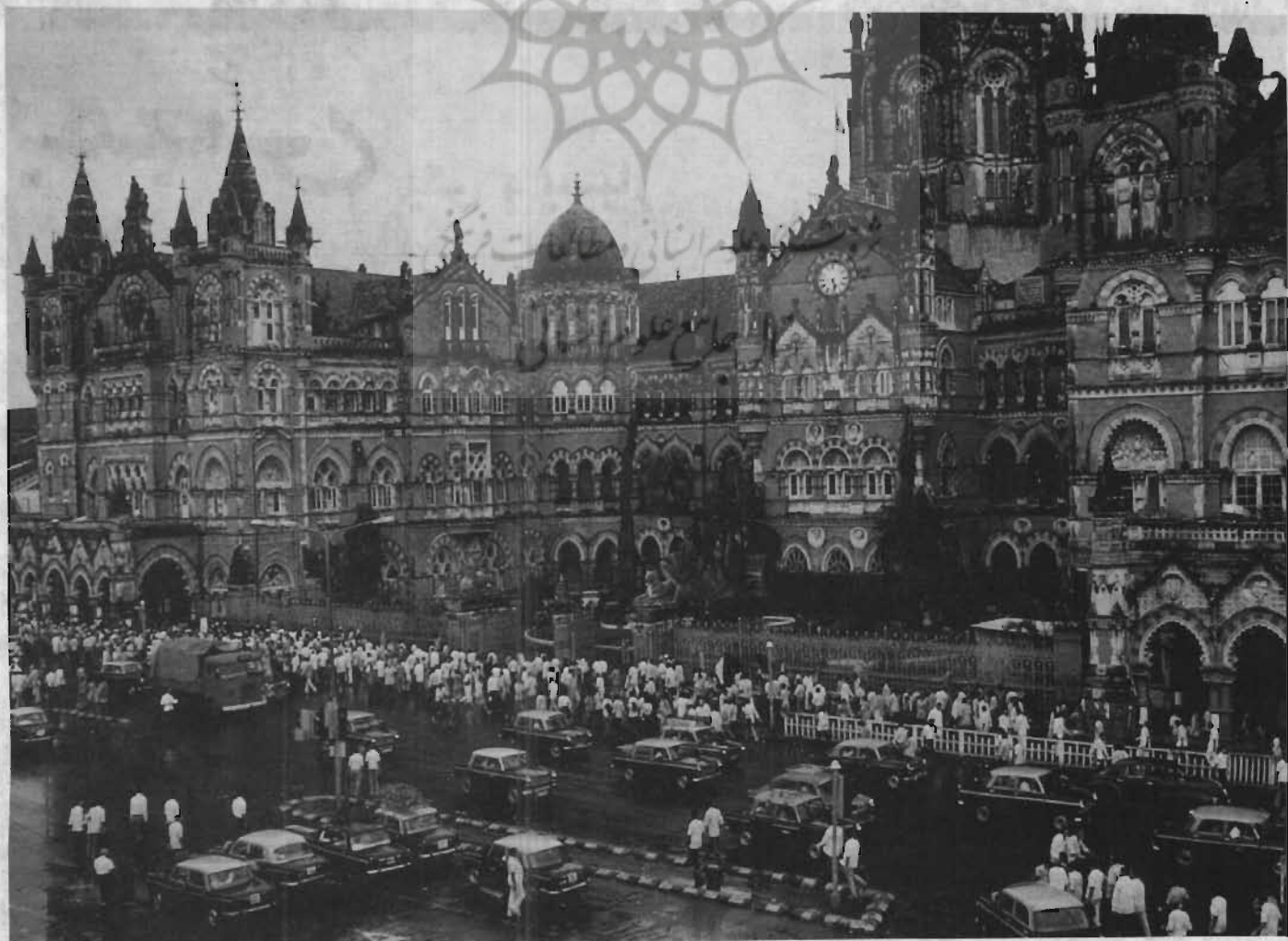
بمبئی با پیشرفت تجاری و پولی پایتخت اقتصادی و به لطف معماری سنتی، صنعت فیلم‌سازی و اندیشه‌های ملی‌گرایانه‌اش پایتخت فرهنگی هند شد. به این ترتیب در بمبئی فرهنگی مختلط پدید آمد که مانندش در سراسر امپراتوری بریتانیا یافت نمی‌شد. نمای عظیم ایستگاه ویکتوریا و شهرداری نشانگر تلاشهای راج (حکومت بریتانیایی بر هند) در تحمیل سبک معماری گوتیک است. اما قومهای بازرگان به سرکردگی پارسیها می‌کوشیدند سبکهای اروپایی را با معماری سنتی بیامیزند. به نوشته نورما ایونس، محقق امریکایی در رشته تاریخ هنر «خانه‌های متعلق به قرن نوزدهم در بمبئی دارای برجسته‌کاریهای تزئینی هستند که معماری سنتی

ایستگاه ویکتوریا، جنبه‌هایی از معماری گورکانی سبک نوگوتیک ویکتوریایی را کامل می‌کند.

بودایی کانهری (Kanheri) متعلق به قرن دوم میلادی، همراه با معابد مغاره‌ای هندو (قرن ششم تا هشتم میلادی) و اِلِفاتا (Elephanta)، از پشتوانه غنی فرهنگی حکایت می‌کنند. اما گجرات نخستین شکوفایی اقتصادی را مدیون پارسیانی است که در قرن هشتم از ایران به آنجا آمدند.

شمار نمایندگیهای تجاری کشورهای اروپایی (پرتغال، هلند، فرانسه و انگلیس) از قرن هفدهم در کناره غربی هند رو به افزایش نهاد و به تحولاتی در محیط، اقتصاد، معماری و فرهنگ ساکنان منجر شد. حضور انگلیسیها باعث شد اقوام بازرگانان ثروتمند از مناطق داخلی به کناره‌ها کوچ کنند و بمبئی به چهارراه نقل و انتقال گسترده انسانها و کالاهای سراسر هند تبدیل شد. گشایش آبراه سوئز در ۱۸۶۹ بر اهمیت بمبئی در ساحل دریای عمان افزود و ارتباط آن به وسیله راه آهن با دیگر نقاط شبه‌قاره، این بندر را به قطب فعالیتهای اقتصادی هند تبدیل کرد.

اقتصاد بمبئی در این سالها با استفاده از صادرات کتان و پارچه‌های کتانی شکوفاتر شد. در پی قطع صادرات کتان امریکا، به علت بروز جنگ داخلی

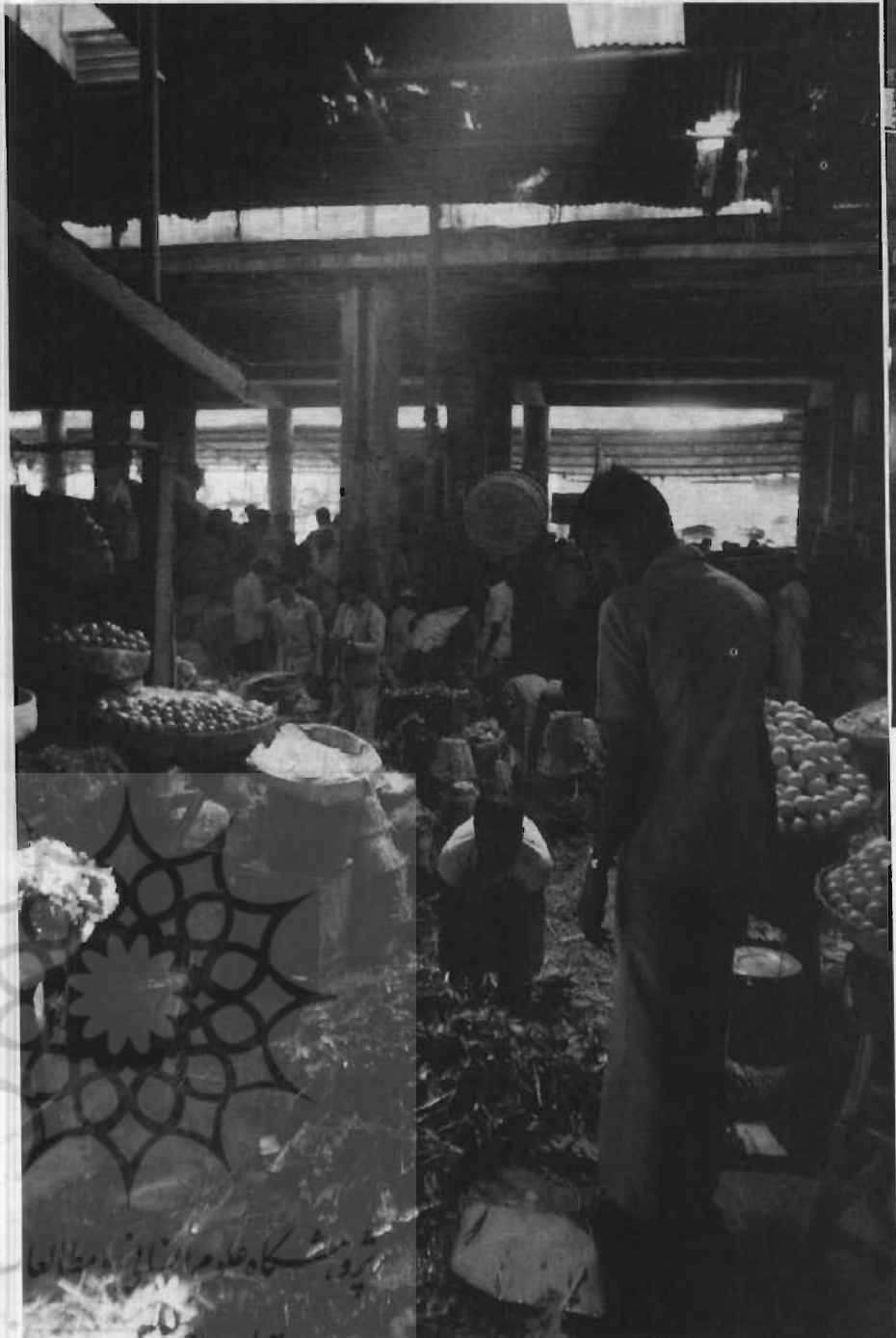


چهارگوشه شبه قاره را به خود جذب می‌کند. این شهر که جمعیت کنونیش به دوازده میلیون نفر می‌رسد از دیرباز شاهد انبوهی مردمان و آمیزش قومهای مختلف با زبانها و فرهنگهای متفاوت بوده است. کمبود زمین باعث شد که از سال ۱۸۹۰ خشک کردن قسمتهایی از خلیج شروع شود و این کار هنوز هم ادامه دارد. درآوردن زمین از چنگ دریا و آمیزش گروههای اجتماعی - فرهنگی مختلف، خلاصه تاریخ قرن اخیر بمبئی است.

### ■ قطب جذابیت

اقوام مختلف غنا و گوناگونی فرهنگی خود را به شهر آورده و در نتیجه محیطی منحصر به فرد از مدارا و تشریک ساخته‌اند. همه ساکنان بمبئی، از هر نقطه هند یا جهان آمده باشند، بمبئی‌ها هستند و به زبانی مرکب از چندین زبان حرف می‌زنند. آنها چه در خیابانها بخوابند، چه ساکن حلی آبادها باشند و چه در خانه‌های بزرگ و راحت محله بندرا به سر برند همگی اهل همین شهر با فیلمهای افسانه‌ای و گردشگاهها و پلاژهایش - پلاژهایی چون چانوپاتی و جوهر - هستند. با این حال، با گذشت سالها گوناگونیهای قومی، مذهبی و اجتماعی در بمبئی، همچون در بسیاری دیگر از شهرهای شمالی هند، تشهایی خوشونت‌بار را برانگیخته است.

حدود هفتاد درصد از مردم بمبئی را کاستها و فرقه‌های مختلف دین هندو تشکیل می‌دهند. اما در سالهای اخیر مهاراتی زبانها با نسبتی برابر ۴۵ درصد از جمعیت شهر بر حیات سیاسی آن مسلط شده‌اند. با



بالا، بازار بزرگ هندو در نزدیکی ایستگاه ویکتوریا.

گجرات را تداعی می‌کنند و ساختمانهای پنج و شش طبقه نیز یادآور ویژگی و جذابیت شهرهای قدیمی مانند امریتسار، لاهور و دهلی هستند. خلاقیت این سبک را می‌توان در «بالکنهای فراخی یافت که حکاکیه‌های زیبا دارند و بارنگهای رنگین‌کمان نقاشی شده‌اند.» قسمتهای چوبی نمای خانه‌های قدیمی نیز به آثار سبک ایونی یونانیها<sup>۱۱</sup> شبیه است. این آمیزش سبکهای معماری ناشی از جنبش نوگرایی بود که در قرن نوزده در بمبئی آغاز شد و از این شهر چیزی ساخت که امروزه شاهد آنیم: پنجره‌ای رو به جهان خارج.

بیش از یک قرن است که بمبئی با شرایط اقلیمی معتدل و فیلمهای آهنگین و پرآوازش مردمان



راست، خیابانی در بمبئی.

این همه، قومهای بازرگان گجرات، سندی، پنجابی و هندی مرواری، همچنان نقشی مهم در حیات اقتصادی شهر ایفا می‌کنند. پانزده درصد جمعیت بمبئی را مسلمانان تشکیل می‌دهند. فعالترین گروه مسلمانان بمبئی در عرصه اقتصاد اسماعیلیها (بوهوراها و خوجه‌ها) هستند که آقاخان، رهبر آنان، شخصیتی جهانی است. نفوذ پارسی‌ها که مدتها سرآمد همگان بودند، حالا کاهش یافته است، اما هنوز هم در عرصه ملی و زنه‌ای به شمار می‌روند، زیرا توانمندترین گروه صنعتی و مالی هند را تشکیل داده‌اند. بمبئی تعداد درخور توجهی مسیحی، بیشتر کاتولیک، و گروه کوچکی از یهودیان را نیز در خود جای داده است. گروههای سیک و جانیایا به رغم درآمیختن با هندوها هنوز هویت فرهنگی و نفوذ خود را حفظ کرده‌اند. افزون بر این، جمعیت بمبئی شامل امیران نفتی عرب، بوداییها، ارمنیها، چینیا و اروپاییهایی است که در شهر خانه گزیده‌اند و سهم خویش را در بافت فرهنگی آن ایفا می‌کنند.

بمبئی تنها شهر طبقه ثروتمند یا طبقات متوسط نیست. میلیونها جوان از سراسر هند بدانجا جذب شده‌اند. آنان که به زبانها و لهجه‌های مختلف سخن می‌گویند برای کار و زندگی در کنار دریا و شرکت در والس عظیم و رنگین سینمایی شهر آمده‌اند.

#### ■ تضادهای ضروری

قومهای مختلف هر کدام فرهنگ خاص خود (بناها، عبادتگاهها، شیوه زندگی و عادات و رسوم) را به شهر آورده و در پیدایش فرهنگ مختلط آن سهمی ایفا کرده‌اند. بازرگانان هندوی گجرات و مهاراشترا برای نیایش به معبدهای والکشوار (خدای شن) بر تپه مالابار و مهالاکشمی (الهه ثروت) می‌روند که در مجاورت مسجد حاجی علی، از قدیسان مسلمان،

قرار دارد. در محله وورلی یک معبد بودایی و بازلیک مونت مری قرار دارد که یکی از بیست کلیسای کاتولیک بمبئی است. معبد اصلی جانیانکنار خلیج در نزدیکی «دبی هت» (Dhabi Hat)، قرار دارد. دورتر، دخمه‌ها، «برجهای خاموشی»، دیده می‌شوند که مکان مردگان قوم پارسی است. در بمبئی همچنین چندین معبد سیک وجود دارد که گورودوارا نامیده می‌شود.

با آنکه همه قومهای بمبئی از یک قرن پیش به مذاهب و مراسم یکدیگر احترام گذارده‌اند اما مدتی است که رخنه‌هایی در این تفاهم زیبا پدیدار شده است. تجزیه پاکستان از هند در ۱۹۴۷ که رویاروییهای خونین را بین هندوها و مسلمانان به همراه داشت، زخمهایی باقی گذارد که هنوز خوب نشده است و تنش بین دو قوم در سایر نقاط هندگاه تا سرحد تظاهرات و شورشهای مذهبی پیش رفته است چنانکه در دسامبر ۱۹۹۲ مسجد بابری در آیودیا تخریب شد. اما موضوع نگران‌کننده در بمبئی پیشرفت جنبشی سیاسی - مذهبی و افراطی به نام شیوا سنا است که در مبارزات انتخاباتی از شعارهای فرقه‌ای («بمبئی از آن مهاراتیها است») استفاده کرد. این فرقه‌گرایی به همراه نوعی منطقه‌گرایی کوته‌بینانه، نمونه زیبایی آمیزش فرهنگها را که بمبئی به دیگر نقاط هند ارائه کرده، در معرض نابودی قرار داده است. مانی راتنام، کارگردان هندی، در فیلم تازه‌اش بمبئی با استفاده از داستان عشق پسری مسلمان به دختری هندو، به ترسیم این گونه تضادهای فرهنگی شهر پرداخته است.

\* Norma Evenson, *Indian Metropolis, A View Towards the West*, Yale University Press, 1989.



توپ‌بازی در محله پانیه در یک روز تعطیل مدارس.



ساختمانهای جدید در محله تجاری بمبئی در کنار دریا.